

## راهبردهای اقتصادی امنیت پایدار

اله مراد سیف<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۲۲

فصلنامه آفاق امنیت / سال پنجم / شماره چهاردهم - بهار ۱۳۹۱

### چکیده:

تحقق امنیت پایدار از اهداف مهم دولت‌ها در عصر حاضر است. حوزه اقتصاد مهم‌ترین و تأثیرگذارترین حوزه حیات اجتماعی است که نقشی ویژه و رو به گسترش در ایجاد امنیت در سطح داخلی و ملی کشورها و پایداری آن دارد و لذا تبیین جایگاه و نقش آن در تحقق امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران از اهمیتی اساسی برخوردار است. سؤال محوری این مقاله راهبردهای اقتصادی امنیت پایدار است. برای پاسخ به این سؤال، ضمن پرداختن به سابقه تاریخی موضوع، رویکرد اقتصادی - انسانی به امنیت پایدار تعریف و سطوح، بازیگران و شاخص‌های امنیت پایدار با رویکرد اقتصادی معرفی شده است. سپس امنیت پایدار فردی با رویکرد اقتصادی و امنیت پایدار ملی با رویکرد اقتصادی تبیین شده‌اند. در نهایت، روش‌شناسی امنیت پایدار با رویکرد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است. در این روش‌شناسی، چالش‌ها و آسیب‌های امنیت پایدار معلول سه شکاف اساسی شامل شکاف آرمانی، شکاف ساختاری و شکاف کارامدی معرفی شده است. «شکاف آرمانی» فاصله میان آرمان‌های انقلاب اسلامی و واقعیت نهادی نظام جمهوری اسلامی (انعکاس یافته در قانون اساسی)، شکاف ساختاری فاصله میان انتظارات با ظرفیت‌های موجود برای پاسخگویی به آن انتظارات و در نهایت شکاف کارامدی فاصله میان خواسته‌ها و قابلیت‌های موجود برای پاسخ دادن به آن خواسته‌هاست. در پایان، امنیت پایدار و سطوح آن در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اقتصادی بیان شده است. از آنجا که امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران در گرو تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی و نیز برآورده شدن انتظارات و خواسته‌های اقتصادی مردم از نظام جمهوری اسلامی ایران است، این آرمان‌ها، انتظارات و خواسته‌ها تشریح شده‌اند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظرفیت بالایی برای تحقق امنیت پایدار اقتصادی دارد. با این حال، هنوز بسیاری از این موارد فرصت پیاده‌سازی نیافته‌اند و لازم است با توجه به تحولات پیش رو در صحنه جهانی و نیز داخلی این زمینه‌ها مورد بازبینی و توجه قرار گیرند و برای پیاده‌سازی آنها برنامه‌ریزی لازم انجام شود.

### واژگان کلیدی

امنیت پایدار، رویکرد اقتصادی - شکاف آرمانی، شکاف ساختاری، شکاف کارامدی

۱. دکتری اقتصاد، دانشیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)



## مقدمه

جهان هر روز در حال تحول است و همراه با این تحول درک ما از امنیت نیز متحول می‌شود. پس از جنگ جهانی دوم، اروپا به دو سیستم متخاصم اروپای کاپیتالیست و دموکراتیک و اروپای کمونیست تفکیک شد. تهدید اصلی برای امنیت نیز جنگ هسته‌ای یا جنگ با سلاح‌های کشتار جمعی بود. پس از فروپاشی دیوار برلین، واژه امنیت جامع‌تر شد و در سال‌های اخیر از جمله تهدیدهای اصلی غیر از بحث تروریسم، تهدید امنیت اقتصادی و بی‌ثباتی اقتصادی است. در دهه ۱۹۷۰ با شروع بحران نفتی، جامعه بین‌الملل پی برد که بدون اقتصادی باثبات نمی‌توان احساس امنیت کرد. این فرضیه پس از نخستین امواج بحران مالی دهه ۸۰ و سپس در موج دوم بحران مالی در دهه ۹۰ به اثبات رسید. پس از ۱۹۹۰، چارچوب درک امنیت گسترش یافته و نه تنها تهدید نظامی بلکه تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی را هم دربر گرفته است (Udovič, P.3).

مطابق نظر بلانی<sup>۱</sup>، امنیت آزادی نسبی از جنگ است. مورس<sup>۲</sup> امنیت را آزادی نسبی از تهدیدهای ویرانگر می‌داند. بوزان امنیت را آزادی از تهدید و توان دولت‌ها و جوامع برای حفظ هویت مستقل خود معرفی کرده است. از نظر بوزان و گریزولد<sup>۳</sup> مفهوم جدید امنیت می‌تواند به چهار زیرگروه امنیت فردی، امنیت ملی، امنیت بین‌المللی و امنیت جهانی تقسیم شود. بنابراین، تعریف امنیت به زمینه‌ها، ارزش‌های اساسی و دیدگاه‌های اشخاص بستگی دارد (Udovič, P.5). برخی<sup>۴</sup> نیز معتقدند که امنیت هم به واقعیت و هم به ادراک بستگی دارد. آنها امنیت را حالتی ذهنی می‌دانند که قویاً به دیگران و نه تنها خود فرد مرتبط است (Udovič, P.10).

ریچارد اولمان در تعریف خود تهدید امنیت ملی را مد نظر قرار می‌دهد و می‌گوید: «تهدیدهای امنیت ملی اقدام یا سلسله رویدادهایی است که به شکل مؤثر و در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی خطر افت کیفیت زندگی برای ساکنان یک کشور را پیش آورد و نیز با خطر جدی کاهش طیف خطمشی‌هایی همراه باشد که حکومت یک کشور یا واحدهای غیرحکومتی خصوصی موجود در یک کشور (اشخاص، گروه‌ها و شرکت‌ها) می‌توانند میان آنها دست به انتخاب بزنند.» در این تعریف کاهش طیف خطمشی‌ها را می‌توان کاهش گزینه‌های انتخابی یک کشور در تصمیم‌گیری راهبردی به منظور پیشبرد منافع معنی کرد (عبداله خانی، ۱۳۸۶: ۲۳).

1 . Bellany

2 . Morz

3 . Grizold

4 . Svetlicic and Rojec



## رویکرد اقتصادی - انسانی به امنیت پایدار

امروز بعد اقتصادی امنیت ملی چنان تغییراتی کرده که جای بعد نظامی را گرفته و به تدریج به عنوان نقطه مرکزی، از دیدگاه تحلیل‌گران راهبردی درآمده است، به طوری که برخی به غلط استدلال می‌کنند که در حال حاضر امنیت اقتصادی تنها بعد حیاتی امنیت است. در حالی که زمانی قدرت اقتصادی فقط به عنوان مبنایی برای تقویت قدرت نظامی محسوب می‌شد، در چارچوب در حال تحول امروزی درباره امنیت اقتصادی تأکید اصلی بر قابلیت رقابت اقتصادی و موفقیت در بازارهای بین‌المللی است و از جمله تعاریف پذیرفته‌شده عمومی امنیت اقتصادی این است: مقدار تولید کالاها و خدمات توسط یک کشور تحت شرایط آزاد و عادی بازار که قابل عرضه در بازارهای بین‌المللی باشد و هم‌زمان درآمد واقعی شهروندان را افزایش دهد. برای مثال، آمریکا حفظ موقعیت رقابتی مناسب خود را در مقابل ژاپن و آلمان در زمینه اقتصادی موضوع امنیتی مهم قلمداد می‌کند (ماندل، ۱۳۸۷: ۵۷). در واقع، الگوی اقتصادی غالب قرن ۲۱ که در اواخر قرن ۲۰ شکل گرفت، در عمل با نامی پیوند خورده است. جریان توسعه در بیشتر قرن بیستم نوید امنیت اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر دولت را می‌داد و دولت رفاه را مجسم می‌ساخت و قوانین و نهادهای حمایتی پیچیده‌ای را سامان می‌داد، در حالی که هم‌اکنون هیچ آینده‌ای از امنیت فراروی آن وجود ندارد و صرفاً یک «جامعه ریسک‌آلود»<sup>۱</sup> را نوید می‌دهد. کاملاً ممکن است که اغلب گروه‌های اجتماعی در معرض ریسک‌های بیشتر و بزرگ‌تری قرار گیرند. با وجود این، ثروتمندان و آنها که در گروه‌های بالای درآمدی هستند، از سطوح بالای حفاظتی برای مقابله با آن ریسک‌ها برخوردارند (ILO, 2005: 3 - 4).

در رویکرد اقتصادی به امنیت پایدار توجه به نقش و جایگاه انسان‌ها بحثی کلیدی است. از آنجا که انسان‌ها محور و مرجع اصلی در مباحث اجتماعی هستند، همان‌گونه که «توسعه پایدار»<sup>۲</sup> با مفهوم «توسعه انسانی»<sup>۳</sup> گره خورده است، امنیت پایدار نیز با مفهوم «امنیت انسانی»<sup>۴</sup> ارتباط ناگسستنی خواهد داشت.

### 1. The Risk Society

«جامعه ریسک‌آلود» اصطلاحی است که در خلال دهه ۱۹۹۰ برای توصیف این مطلب به کار می‌رفت که جامعه مدرن در پاسخ به ریسک سازمان داده شده است. مطابق تعریف آنتونی گیدنس، یک جامعه ریسک‌آلود به طور روزافزونی نگران آینده (و هم‌چنین نگران یمنی) است (From Wikipedia, the Free Encyclopedia, [http://en.wikipedia.org/wiki/risk\\_society](http://en.wikipedia.org/wiki/risk_society)).

### 2. Sustainable Development

### 3. Human Development

### 4. Human Security

مطابق گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۴، ایده امنیت انسانی افراد را به عنوان مرجع امنیت مورد تأکید قرار می‌دهد و هفت زیرمجموعه شامل امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست‌محیطی، امنیت شخصی، امنیت جمعی و امنیت سیاسی را با هم ترکیب می‌کند (Nesadurai, 2005:9-10). تشدید ناامنی انسانی از جمله نتایج جهانی شدن پرشتاب و تحولات ناشی از آن بوده است. این پدیده را در طیفی وسیع از کشورها با سیستم‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی و سطوح مختلف توسعه می‌توان مشاهده کرد. منابع این ناامنی را باید در تحولات مختلف در اقتصاد، جامعه، سیاست و فرهنگ ریشه‌یابی کرد. هر سیستم پویا ناامنی انسانی تولید می‌کند، اما هنگامی که تحولات با سرعت شگفت‌انگیزی رخ می‌دهند، آثار تجمعی این تحولات ممکن است بسیار دهشتناک باشد و هنگامی که نهادها و مکانیسم‌ها در جایگاه ضربه‌گیر شروع به فروریختن می‌کنند، این آثار منفی تشدید خواهد شد (Ghai, 1997: 1-8).

مسئله «امنیت انسانی» در کشورهای پیشرفته، در حال گذار و در حال توسعه صورت‌هایی متفاوت دارد و لذا سیاست‌های مربوط به آنها هم باید متفاوت باشد. برای مثال، در مسئله بیکاری، کشورهای پیشرفته به برکت نرخ‌های رشد بالا، به شرایطی نزدیک به اشتغال کامل در دوره پس از جنگ رسیده‌اند، اما نمی‌توان فرض کرد که چنین وضعیتی در آینده هم تکرار خواهد شد. هم ملاحظات زیست‌محیطی و هم ماهیت پیشرفت فنی تردیدهایی در اینکه آیا رشد بالاتر بهترین مسیر برای حل مسأله بیکاری در کشورهای ثروتمند است، برانگیخته است. اصلاح بازارهای کار و سیستم‌های آموزشی می‌تواند امکانات اشتغال را توسعه دهد، اما حرکت قابل توجه در جهت «اشتغال کامل»<sup>۱</sup> مستلزم سیاست‌ها و اصلاحات نهادی واقعی‌تر در زمینه‌های پیشرفت فنی، ترکیب‌های جدید کار، آموزش و فراغت، مشارکت کاری و ترتیبات بدیع برای تأمین مالی اجتماعی و اقتصادی کارهای مفید است (Ghai, 1997: 11).

### سطوح، بازیگران و شاخص‌های امنیت پایدار با رویکرد اقتصادی

برای ارائه رویکرد جامع اقتصادی به امنیت پایدار باید عوامل مرتبط با سه حوزه مهم کلان، میانی و خرد<sup>۲</sup> را برای اجتناب از ناامنی اقتصادی مشخص کرد: (Udovič, P.9)

1. Full Employment
2. Macro, Mezzo and Micro Factors



جدول ۱: تقسیم‌بندی عوامل امنیت اقتصادی

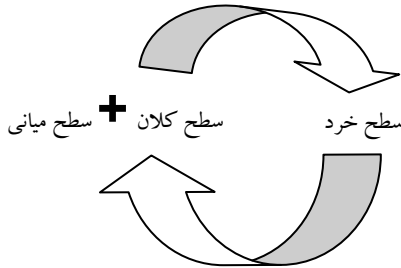
عوامل کلان	عوامل میانی	عوامل خرد	
دولت روابط بین دولت‌ها جهانی	شرکت‌ها بنگاه‌ها مجتمع‌های تجاری	اشخاص فامیل جوامع	بازیگران تعیین‌کننده
ثبات بازارهای دولتی تجارت آزاد رقابت توسعه پایدار رشد تولید ناخالص داخلی بهره‌وری نرخ‌های پایین تورم ثبات نرخ‌های ارز تعادل تراز پرداخت‌ها نداشتن بدهی موهبت‌های پایدار عوامل تولید (نفث و گاز و...) اجتناب و مقابله با حملات سوداگرانه به بازار حل مسائل مرتبط با مواد مخدر	ثبات محیط اقتصاد کلان ابداع و اختراع جدید بازاریابی انضباط مالی و پرداخت دیون انعطاف‌پذیری موهبت‌های پایدار عوامل تولید انتشار تکنولوژی انعطاف اداری نرخ‌های باثبات ارز تولید کم‌هزینه مسائل اخلاقی دانش حداقل‌سازی تولیدات بازار سیاه	ثبات محیط اقتصاد کلان دولت ثبات غذا، آب، مسکن مسکن اجاره‌ای ثبات و امنیت شغل دستمزدهای منصفانه و بائبات اعتماد در مؤسسات حداقل‌سازی فقر مطلق و نسبی حداقل‌سازی محرومیت اجتماعی (حداکثر کردن اعتبار افراد) آموزش و پرورش حداقل‌سازی ترس و هراس انتقال آزادانه افراد کنار گذاشتن دور باطل زندگی استاندارد و اشتغال	شاخص‌های اقتصادی امنیت پایدار

در جدول ۱ برخی شرایط اقتصادی ضروری برای برقراری روابط امنیت پایدار آمده است. برخی از این عوامل بیشتر از برخی دیگر مرتبط‌اند؛ هم‌چنین برخی از آنها با برخی دیگر متضادند. باید گفت غیرممکن است هم‌زمان بتوان همه عوامل مهم را برآورده و محقق کرد. می‌توان نتیجه گرفت که تنها راه برای دستیابی به امنیت اقتصادی آن است که عوامل مختلف به هم مرتبط شوند و به اجرا درآیند (Udovic, PP. 9-10).

امنیت فرایندی پایان‌ناپذیر است که ابتدا از طریق تعامل محیط اقتصاد کلان و سطح میانی (بنگاه‌ها و شرکت‌ها) تعیین می‌شود و هر دو سطح خرد امنیت اقتصادی (نیازهای افراد) را شکل می‌دهند. متقابلاً وجود امنیت در سطح خرد از



طریق ایجاد اطمینان مستقیم و غیرمستقیم بر محیط اقتصادی مانند بیکاری و تورم اثرگذار است و این آثار متقابل ادامه خواهد داشت (Udovič, PP.10- 11).



شکل ۱: ارتباط متقابل سطوح امنیت اقتصادی

نبود امنیت تنها پدیده‌ای فردی نیست. ناامنی سیستمی هم وجود دارد. در دوران انتقالات ساختاری (توسعه)، در روابط تولید و توزیع تغییر جهت سیستمی رخ می‌دهد که می‌تواند مردم زیادی را در معرض ریسک و نااطمینانی، قرار دهد. ناامنی اقتصادی به ریسک و نااطمینانی مربوط است ولی در آن خلاصه نمی‌شود. در نااطمینانی غیرقابل پیش‌بینی بودن مطرح است، در حالی که با وجود ریسک مشخص می‌توان احتمال نتیجه‌ای خاص را حدس زد. در عمل بسیاری از مردم ریسک‌های پیش روی خود را نمی‌شناسند یا آنها را غیرقابل پیش‌بینی می‌دانند. این ریسک‌ها و نااطمینانی‌ها در تصمیم‌گیری‌ها همراه با فرایند نوسازی و جهانی شدن رشد کرده‌اند. ناامنی اقتصادی هم‌چنین به هزینه‌های ناشی از نتایج ناگوار ریسک‌ها که شامل هزینه‌های روانی، مالی و وضعیت‌های اجتماعی است، بستگی دارد. این رابطه به ظرفیت برخورد با نتایج ناگوار و ظرفیت ترمیم نتایج آن ریسک‌ها مرتبط است. به نظر می‌رسد که ادراک وسیع‌تری از ریسک، شمول بیشتری از مردمی که با دامنه وسیعی از ریسک‌ها مواجه‌اند و ظرفیت کمتری برای مقابله و ترمیم نتایج ناگوار وجود دارد، زیرا ماهیت جامعه بازاری برد و باخت است و نیز بدین دلیل که شبکه‌های غیررسمی حمایتی (نظیر فامیل و غیره) مرتباً در حال فروکش کردن هستند و نیاز به شبکه‌های حمایتی رسمی روز به روز افزایش می‌یابد (ILO, 2005:4).

### امنیت پایدار فردی با رویکرد اقتصادی

امنیت اقتصادی فردی «داشتن درآمد، دارایی و مخارج مکفی و تا اندازه‌ای باثبات» تعریف شده است، از این رو، تهدیدهای امنیت اقتصادی فردی را شامل موارد زیر دانسته‌اند: (Kenworthy, 2010:4-5)



۱. درآمد پایین (ناشی از دستمزد پایین یا کار پاره‌وقت)؛
۲. نداشتن درآمد (برای مثال در پیری یا ناتوانی)؛
۳. کاهش زیاد درآمد (در شرایطی مانند از دست دادن شغل، ناتوانی، بیماری یا طلاق)؛
۴. از دست رفتن بخش زیادی از دارایی‌ها (برای مثال، در شرایط حوادث طبیعی و ورشکستگی)؛

۵. افزایش قابل توجه پیش‌بینی‌نشده‌ها در هزینه‌ها (مانند بیماری‌های خاص). شرایط حاد برای امنیت اقتصادی در این سطح شامل مواردی است که وقایع دارای ریسک زیادتری اتفاق بیفتند و زیان و هزینه وقایع دارای ریسک بالا باشد (وقایع خطیرتر و طولانی‌تر باشند یا بیمه جبرانی کافی وجود نداشته باشد). امنیت اقتصادی بدان علت مهم است که ناامنی اقتصادی استاندارد زندگی را تنزل می‌دهد، شادکامی افراد را کاهش و پریشانی و فشار روانی را افزایش می‌دهد (Ibid, PP. 6-13). از یک سو، امنیت اقتصادی در سطح فردی با مفهوم جامع «کار» ارتباطی عمیق دارد. شرایط زندگی انسان‌ها با کار آنها پیوند خورده است. برنامه اجتماعی-اقتصادی «دفتر جهانی کار» ۱ هفت شکل از امنیت مربوط به کار را که باید توسط دولت‌ها، کارفرمایان، اتحادیه‌ها و دیگران مورد پیگیری واقع شوند مشخص ساخته که به شرح زیر است: (ILO, 2004:14)

۱. امنیت بازار کار (وجود فرصت‌های مناسب اشتغال)؛
۲. امنیت اشتغال (حمایت در برابر اخراج از کار)؛
۳. امنیت شغل (وجود طبقه‌بندی مشاغل برای جلوگیری از جابه‌جایی مشاغل)؛
۴. امنیت کار (در برابر حوادث ناشی از کار)؛
۵. امنیت مهارت شغلی (بهره‌مندی از آموزش حرفه‌ای برای به روز نگه‌داشتن مهارت‌ها)؛

۶. امنیت درآمدی (حمایت از درآمدها از طریق قانون حداقل دستمزدها)؛
  ۷. امنیت نمایندگی برای واحدهای مستقل تجاری و داشتن حق اعتصاب.
- بحث اساسی آن است که در شرایط نبود امنیت اقتصادی وضعیت افراد بدتر خواهد شد. این باور دو دلیل اساسی دارد: اول، نگرانی مردم از زیان اقتصادی افزایش می‌یابد. دوم اگر چنین زیان‌هایی رخ دهد، مردم دچار مشقت می‌شوند (Hacker & Others, 2010:3).

## امنیت پایدار ملی با رویکرد اقتصادی

در این باره که چگونه باید امنیت اقتصادی یک کشور را اندازه‌گیری کرد زیاد قلم‌فرسایی شده است. همان‌گونه که هر کشور به طور خاص، سطحی از توسعه‌یافتگی اقتصادی، ظرفیتی برای مدیریت ریسک، فرهنگی ملی و موقعیتی خاص در محیط بین‌الملل دارد، باید همواره امنیت اقتصادی خود را به صورتی جداگانه پایش کند. برای کشوری در حال توسعه مانند چین امنیت اقتصادی به درستی به عنوان توان فراهم‌سازی یک افزایش پایدار در استاندارد زندگی برای همه مردم از طریق توسعه اقتصاد ملی، با حفظ استقلال اقتصادی تعریف شده است. به عبارت دیگر، سکه «امنیت اقتصادی» دو رویه دارد: رقابت‌پذیری اقتصادی و استقلال حاکمیت اقتصادی. نتیجه رقابت ایجاد توسعه‌ای سالم است، در حالی که مرتبه‌ای از استقلال هم‌چون حفاظی در برابر نفوذ خارجی بر اقتصاد عمل می‌کند. رقابت‌پذیری اقتصادی هم برای برانگیختن رشد اقتصادی و هم برای نفوذ در بازارهای بین‌المللی حیاتی است. در عصر جهانی شدن این هر دو درهم تنیده شده‌اند، به طوری که هیچ کشوری نمی‌تواند خود را از چالش‌های خارجی جدا نگه دارد. به علاوه، این دو متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند، به گونه‌ای که رقابت از طریق مزیت نسبی در بازار جهانی پایه رشد پایدار در اقتصاد داخلی است و رشد نیز در مقابل، توانایی نفوذ در اقتصاد جهانی را برای کشور فراهم می‌آورد. بدون رشد و رقابت هیچ امنیت اقتصادی وجود نخواهد داشت (Yong, 2007:66).

رویه دیگر سکه، حاکمیت اقتصادی است که باید به عنوان معیاری برای کنترل یک کشور بر جریان توسعه اقتصادی خود و توانایی آن کشور برای ایستادگی در برابر دخالت‌های خارجی مورد ملاحظه قرار گیرد. حاکمیت اقتصادی شامل دو مورد است: نخست، آنچه می‌تواند «حاکمیت غیرتوزیعی» قلمداد شود که ذاتی است و قابل اشتراک‌گذاری با ملت‌های دیگر نیست. دوم، قدرت اقتصادی توزیعی که می‌تواند با دیگران به اشتراک گذاشته شود. خود «حاکمیت» همانند هویت یک کشور قابل واگذاری به دیگران نیست. در اقتصاد، حاکمیت به کنترل یک کشور بر بازار داخلی خود و کنترل دولت بر شرکت‌ها و صنایع کلیدی اطلاق می‌شود. حاکمیت اقتصادی غیرتوزیعی شامل جنبه‌هایی هم‌چون قدرت تصمیم‌سازی راهبردی بر سیستم اقتصادی خود و مالکیت بر منابع طبیعی است. قدرت اقتصادی توزیعی به طور ساده شامل سیاست‌های اقتصادی و صنعتی و اداره کردن نهادهای اقتصادی غیراساسی است. مرزهای میان حاکمیت غیرتوزیعی و قدرت‌های توزیعی





تحت حاکمیت در هر کشور متفاوت است و به درجه استحکام اقتصاد ملی و توسعه اقتصادی آن کشور بستگی دارد. اگر چه بسیاری از کشورهای در حال توسعه منافع قابل توجهی از باز بودن اقتصاد خود روی اقتصاد بین‌الملل برده‌اند، حاکمیت اقتصادی آنها روز به روز ضعیف‌تر شده است. ظرافت حفظ تعادل میان این روندهای اغلب متناقض نیازمند پایش‌های هوشیارانه روابط پیچیده رقابتی میان اقتصاد داخلی و شرکت‌های خارجی، از طریق مکانیسم‌های تنظیمی تحت کنترل کشور است (Yong, 2007:67).

از دیدگاه امنیت ملی، توزیع جهانی کالاها و خدمات اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ای آشفته شده است. ملاحظات متعددی نشان می‌دهد که در دهه گذشته، شکاف بین فقرا و اغنیا در داخل و بین ملت‌ها بیشتر شده است و همین الگو آشکارا امنیت اقتصادی ملی را تهدید می‌کند. به هر حال، ارزیابی کنترل اقتصاد ملی (یکی از عوامل درک توزیع قدرت اقتصادی)، در جهانی که اعضای آن به شدت به هم وابسته‌اند، بسیار مشکل شده است. «رایش»<sup>۱</sup> معتقد است: «ما در دورانی از تحول زندگی می‌کنیم که سیاست و اقتصاد قرن آینده را تغییر خواهد داد و در آن هیچ‌گونه محصول یا فناوری ملی، یا شرکت و صنعت ملی وجود نخواهد داشت.» این‌گونه ملیت‌زدایی از مالکیت و کنترل، آشکارا این مسئله را که چه کسی حاصل و بازده سرمایه را به خود اختصاص می‌دهد، مبهم کرده است. به علاوه، آنچه قبلاً در مورد غلبه سرمایه‌گذاری خارجی بر تجارت خارجی بیان شد، باعث کاهش توان سیاست‌گذاران ملی برای نظارت یا مدیریت جریان ورود و خروج کالاها و خدمات مؤثر بر رفاه کشور شده است (ماندل، ۱۳۸۷: ۸۸-۸۷).

از بعد اجتماعی، امنیت پایدار به موقعیت و اوضاع کلان یک کشور اشاره دارد. داشتن امنیت فرع بر داشتن قدرت است و لذا امنیت پایدار برای یک ملت و کشور مستلزم داشتن اقتدار لازم برای مصونیت بخشیدن به ارزش‌های حیاتی در برابر مخاطرات احتمالی است. برای مثال، کشورها برای ایجاد مصونیت اقتصادی به عضویت در بلوک‌های تجاری تمایل نشان می‌دهند. ماندل معتقد است: «با حضور بازیگران مهم اقتصادی از طرف ملل مختلف، تشکیل بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای و اتحادیه‌های راهبردی، راه‌هایی منطقی برای تحکیم قدرت و جبران ضعف به نظر می‌رسند. تشکیل این بلوک‌ها و اتحادیه‌ها، با توجه به اینکه مواد خام، نیروی کار، محل‌های تولید و بازارها نیز روز به روز از حوزه نفوذ و کنترل ملی بیشتر خارج



می‌شوند، به نوبه خود موجب افزایش آسیب‌پذیری نسبت به هر گونه اختلال در عرضه و تقاضا از خارج می‌شود. سرانجام این از دست دادن کنترل و افزایش وابستگی، مشکلات موجود در زمینه‌های مدیریت اقتصاد ملی، برخورد با مسأله بی‌ثبات‌کننده شکاف بین فقیر و غنی و استفاده مؤثر از کمک و فشار اقتصادی را تشدید می‌کند» (همان، ص ۹۳).

برای اغلب کشورهای در حال گذار و در حال توسعه، رشد سریع اقتصادی برای تولید، اشتغال و کاهش فقر اجتناب‌ناپذیر است. در گذشته میزان رشد در کشورهای فقیر به طور نزدیکی به شرایط اقتصادی در کشورهای صنعتی گره خورده بود. انتظار می‌رود ادغام رو به رشد اقتصاد جهانی این روابط وابستگی را افزایش دهد، اما برای بسیاری کشورها گرچه روابط وابستگی برطرف نشده اما ضعیف شده است. این کشورها موفق شدند حتی در سال‌هایی که کشورهای ثروتمند در رکود یا رشدی پایین بودند، به نرخ‌های رشد بالایی دست یابند که به ویژه در منطقه آسیا واقعیت داشته است. اگر چنین روندی در سایر کشورهای مناطق در حال توسعه اتفاق افتد، می‌تواند این امکان را برای کشورهای فقیر خلق کند که نرخ‌های بالای رشد خود را مستقل از عملکرد کشورهای ثروتمند حفظ کنند. شاید جهان به سمتی حرکت کند که رشد کشورهای پیشرفته به وضعیت کشورهای در حال توسعه بستگی پیدا کند (Ghai, 1997:11-12).

این تناقض چگونه حل می‌شود؟ ادغام بیشتر و رقابت‌پذیری کشورهای در حال توسعه به این معنی است که آنها با افزایش سهم بازارهای خود در کشورهای ثروتمند می‌توانند حتی در سال‌های رکود به نرخ‌های رشد بالا دست یابند. برای امکان‌پذیر شدن این امر، مهم است که کشورهای در حال توسعه در موقعیتی باشند که طیفی از کالاهای مصرفی- سرمایه‌ای را که بازار عمده آنها در کشورهای صنعتی است، به صورت رقابتی عرضه کنند. سایر کشورهای در حال توسعه نیز می‌توانند از ارتباط نزدیک‌تر سیاسی و اقتصادی با کشورهای مذکور بهره‌مند شوند. بنابراین، جهانی شدن می‌تواند به آرزوی دیرینه افزایش تجارت و همکاری اقتصادی میان کشورهای در حال توسعه کمک کند (Ibid, P. 12).

در هر صورت، رشد سریع به تنهایی برای کاهش قابل توجه فقر و بیکاری کافی نیست. برای تحقق این اهداف، الگوی رشد باید «کاربر»<sup>۱</sup> باشد که خود نیازمند سیاست‌های مناسب اقتصاد کلان، تجارت، تکنولوژی، توزیع دارایی‌ها و



سرمایه‌گذاری انسانی است. کشورهای متعددی در شرق آسیا و جاهای دیگر موفق شده‌اند نرخ‌های بالای رشد اقتصادی را با جذب سریع‌تر نیروی کار همراه سازند. مثال‌های زیادی وجود دارد که رشدهای سریع تنها کمک اندکی به بیکاری و مسئله توزیع کرده است که عمدتاً به علت الگوهای به شدت نابرابر توزیع دارایی، به ویژه زمین و نیز تأکید بر تکنولوژی‌های «سرمایه‌بر»<sup>۱</sup> بوده است. تا اینجا آنچه اهمیت دارد تعقیب سیاست‌هایی است که نرخ رشد و الگوی رشدی ایجاد کند که فقر و بیکاری را به میزانی قابل کنترل کاهش دهد. به میزانی که این هدف تحقق یابد، نیاز به برنامه‌های حمایتی اجتماعی کاهش خواهد یافت. در سال‌های اخیر برخی کشورها به این اهداف نزدیک شده‌اند. در میان کشورهای پیشرفته ژاپن، سوئیس، اتریش و میان کشورهای در حال توسعه، هنگ‌کنگ، تایوان، سنگاپور و کره جنوبی چنین بوده‌اند. در مقابل، کشورهایی مانند هلند، آلمان و فرانسه سیاست‌های جامعی برای حمایت اجتماعی از فقرا و گروه‌های بیکار و آسیب‌پذیر اتخاذ کرده‌اند. در کشورهای در حال توسعه نیز کشورهای نفتی خاورمیانه، کاستاریکا، شیلی، کوبا، سریلانکا و چین چنین برنامه‌هایی را تعقیب کرده‌اند. با این حال، برنامه‌های رفاه و تأمین اجتماعی در اغلب کشورها رنگ‌باخته است. در کشورهای فقیر سیاست‌های تعدیل ساختاری به کاهش مخارج اجتماعی انجامیده است. در کشورهای سوسیالیستی سابق، سیستم‌های قبلی جامع تأمین اجتماعی از میان رفته و برنامه‌های گزینشی با درجات مختلف اثربخشی جایگزین شده است. در کشورهای صنعتی این برنامه‌ها هم از جهت دامنه و هم از جهت سطح فروکش کرده است که دلایل آن را باید در بدهی‌های بالا، مشکلات تراز پرداخت‌ها، کسری‌های بودجه، مقاومت در برابر افزایش مالیات‌ها و تحولات جمعیتی (پیر شدن جمعیت) دانست (Ghai, 1997:12-13).

فراهم‌سازی حمایت اجتماعی از افراد فقیر، بیکار و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر مسائل مهمی در «سیاست عمومی» در عصر آزادسازی بازارها ایجاد کرده است. یکی از این مسائل تشخیص نیازهای اساسی برای گروه‌های مذکور است. این نیازها چگونه با ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سطح توسعه اقتصادی تغییر می‌کنند؟ هم‌چنین سؤال مهم آن است که رابطه میان روش تأمین مالی برنامه‌های تأمین اجتماعی و آثار آنها بر انگیزه‌های پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و کار چگونه است؟ مطلوب آن است که در صورت امکان، برنامه‌های تأمین اجتماعی، انجام کار همراه با بهره‌وری

1 . Capital Intenive

اقتصادی و اجتماعی را تشویق کنند، کسب مهارت‌ها و قابلیت‌های مددجویان را تسهیل بخشند و برای جامعه و اقتصاد به صورت بالقوه مفید باشند (Ghai, 1997:13). امروز ملت‌ها در مقابل مسائل زیر با انتخاب مهمی مواجه هستند: (ماندل، ۱۳۸۷: ۸۶-۸۵) ۱. تلاش‌های اقتصادی برای حمایت از صنایع داخلی، به این امید که شرکت‌های محلی پیش از روبه‌رو شدن با رقابت شدید و مستقیم خارجی، پیشرفت کنند و قبول این خطر که چنانچه آثار منفی سیاست‌های حمایتی مذکور بسیار شدید شود یا این شرکت‌ها نتوانند خود را به سطح جهانی برسانند، اقتصاد کشور به صورت منزوی و فاقد کارایی (و متکی به تکنولوژی‌های قدیمی و دارای فاصله با آخرین روش‌های موجود) در می‌آید.

۲. دست زدن به تلاش‌های اقتصادی برای جذب یا تکیه بر بهترین صنایع و محصولات خارجی، به این امید که تنوع بخشیدن به منابع عرضه و تقاضا باعث پیشرفت اقتصاد ملی و دسترسی به ارزان‌ترین و بهترین کالاها و خدمات برای مصرف‌کنندگان داخلی شود. البته همراه با قبول این خطر که تمام تولیدات مهم صنعتی به دست شرکت‌های خارجی بیفتد یا در خاک بیگانه به انجام برسد. باید توجه کرد که انتخاب بین سیاست‌های درهای باز و بسته در زمینه مبادله اقتصادی، بسته به اینکه رویکرد مذکور شامل سرمایه‌گذاری، تجارت، جریان‌های پولی یا مهاجرت نیروی کار باشد یا نباشد، پیامدهای بسیار متفاوتی بر امنیت ملی خواهد داشت. برای نمونه، تجارت آزاد می‌تواند خودکفایی ملی را تهدید کند. سرمایه‌گذاری آزاد، کنترل حکومتی را تهدید و حرکت آزادانه پول، مسئولیت‌پذیری داخلی در مقابل سوءمدیریت‌ها را تهدید می‌کند. به نظر می‌رسد سیاست درهای بسته، بیشتر از سیاست درهای باز مستلزم دخالت دولت است، ولی «نور»<sup>۱</sup> استدلال می‌کند که رشد وابستگی متقابل اقتصادی (از طریق سیاست‌های بازار آزاد) «بدون تردید باعث خواهد شد که حکومت‌های جوامع دموکراتیک سرمایه‌داری مجبور به حرکت در جهت احراز کنترل بیشتر بر حیاط اقتصادی شوند». البته منطقه‌گرایی اقتصادی تلاشی برای پرهیز از این مسئله با توسل به توافق و سازش و مستلزم ترکیب سیاست‌های درهای بسته، نسبت به کشورهای خارج منطقه و سیاست‌های درهای باز، نسبت به کشورهای داخل منطقه است، اما به دلیل وجود روابط بین شرکت‌های تجاری داخل و خارج از منطقه، تنش‌ها تداوم می‌یابد.

پیچیدگی جالب توجه در مقایسه اقدامات مثبت و منفی اقتصادی این است

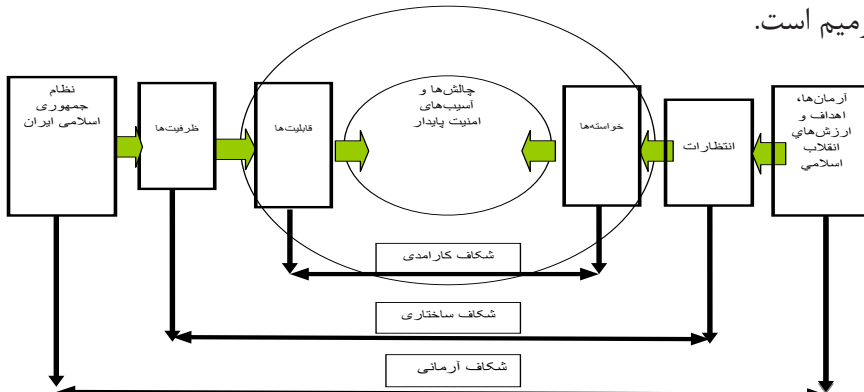


که اقدامات منفی در وهله نخست و با شدت هر چه تمام‌تر، توده‌های کشور هدف را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در حالی که اقدامات مثبت در مرحله اول و به شدیدترین وجهی، نخبگان کشور هدف را متأثر می‌کنند. به عبارت دیگر در حالت اول، پایین‌ترین قشرهای جامعه از این فشارها رنج می‌برند، در حالی که در حالت دوم، بالاترین قشرهای جامعه پادشاه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند (همان، ص ۸۹).

### روش‌شناسی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اقتصادی

کشور ما در حال حاضر با مشکلاتی مانند تورم و بیکاری، نرخ رشد واقعی پایین، نوسان نرخ رشد اقتصاد، وابستگی درآمدها و نیز درآمدهای عمومی به نفت، واردات بی‌رویه و تراز بازرگانی غیرنفتی منفی، نااطمینانی فضای کسب و کار، وجود یارانه‌های گسترده غیرهدفمند در اقتصاد، بهره‌وری پایین و نرخ رشد اندک آن، ضعف بخش خصوصی، نبود روحیه کارآفرینی، قاچاق گسترده کالا و کسری‌های مداوم بودجه روبه‌روست. در کنار این واقعیت‌ها، چشم‌انداز تعریف‌شده توسط نظام رتبه اول در منطقه آسیای جنوب غربی را برای ایران در سال ۱۴۰۴ ه. ش (۲۰۲۵ م) ترسیم کرده است. روشن است که رسیدن به هدف چشم‌انداز از الزامات مرحله‌ای تحقق آرمان و اهداف انقلاب اسلامی است و از این رو، راهبردی اساسی برای تحقق امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. در این صورت هر چه شکاف واقعیت‌ها از ایده‌آل‌ها زیادتر باشد، زمینه آسیب و چالش برای امنیت پایدار در نظام جمهوری اسلامی بیشتر خواهد بود. در روش‌شناسی زیر این زاویه نگاه مورد توجه قرار گرفته و چالش‌ها و آسیب‌های امنیت پایدار معلول سه شکاف اساسی شامل شکاف آرمانی، شکاف ساختاری و شکاف کارامدی معرفی شده است. در این ارتباط شکل ۲ گویاست. همان‌طور که در این شکل مشاهده می‌شود، آرمان‌ها تولیدکننده انتظارات‌اند و خواسته‌ها مبتنی بر انتظارات شکل می‌گیرند. در نقطه مقابل، نظام جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی آن تعریف شده است، ظرفیت‌های مشخصی برای پاسخگویی به انتظارات دارد و در عمل نیز قابلیت‌های مشخصی برای تأمین خواسته‌ها وجود خواهد داشت. «شکاف آرمانی» فاصله میان آرمان‌های انقلاب اسلامی و واقعیت نهادی نظام جمهوری اسلامی است (که در قانون اساسی انعکاس یافته است). این فاصله، شکافی نهادی است که احتمال دارد به مرور زمان گسترش یابد. در این صورت نظام‌سازی منطبق بر شرایط زمان می‌تواند این شکاف را ترمیم کند که این امر احتمالاً مستلزم ترمیم

قانون اساسی خواهد بود. شکاف ساختاری که فاصله میان انتظارات با ظرفیت‌های موجود برای پاسخگویی به آن انتظارات است، شکاف نهاد دیگری است که با اصلاح و تدوین قوانین جاری و نیز ایجاد ارگان‌های لازم در چارچوب قانون اساسی قابل ترمیم است.



شکل ۲: شکاف‌های سه‌گانه چالش‌های امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران

در نهایت، شکاف میان خواسته‌ها و قابلیت‌های موجود برای پاسخ دادن به آن خواسته‌ها یک شکاف نهادی سوم است که باید آن را شکاف کارامدی دانست. این شکاف به سیستم‌های اجرایی و کارامدی این سیستم‌ها و نیز مجریان و دست‌اندرکاران آنها مربوط است. بهینه‌سازی سیستم‌ها و روش‌ها و نیز تنظیم و اصلاح قوانین و مقررات که موجب ارتقای کارامدی سیستم‌ها و روش‌های موجود می‌شود، ترمیم‌کننده این شکاف خواهد بود. نکته جالب اینکه ترمیم شکاف آرمانی نقشی اساسی و تعیین‌کننده در ایجاد زمینه برای پر کردن شکاف ساختاری خواهد داشت، در حالی که حرکت معکوس آن قابل تصور نیست. چنانچه شکاف آرمانی وجود داشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که از طریق ترمیم شکاف ساختاری بخشی از شکاف آرمانی ترمیم شود. به عبارت دیگر، اگر نظام‌های موجود فاقد کارایی لازم برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی باشند، این شکاف با هیچ اقدامی جز ترمیم قانون اساسی جبران نخواهد شد. به همین ترتیب، ترمیم شکاف ساختاری اثری مثبت بر شکاف کارامدی خواهد داشت. ولی اگر با مشکلات ساختاری مواجه شود، نمی‌توان انتظار داشت که با اصلاحات سیاستی و بهینه‌سازی سیستم‌ها و روش‌ها بتوان بخشی از آن را جبران کرد. برای مثال اگر مشکل هدفمند نبودن نظام یارانه‌ها در کشور مشکلی ساختاری باشد، هرگونه بهینه‌سازی سیستم‌ها و روش‌ها برای استفاده بهتر از منابع (مثلاً انرژی) از قبل شکست خورده است.



۱. امنیت پایدار و سطوح آن در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اقتصادی در اعتقادات اسلامی منشأ امنیت خداوند متعال است و ایمان شرط رسیدن به امنیت است و امنیت پایدار جز در جامعه مطلوب ایمانی شکل نخواهد گرفت و لذا امنیت با تبعیت از فرامین الهی قابل دستیابی است (قریش/ ۴؛ بقره/ ۳۸). ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح امنیت‌ساز است و کسی که وجود خود را تسلیم اوامر الهی کند و نیکوکار باشد، در امنیت کامل خواهد بود و آن کس که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد هیچ خوفی برای او نخواهد بود (بقره/ ۶۲؛ بقره/ ۱۱۲؛ انعام/ ۴). تقوا و عمل صالح نیز سبب امنیت و ایمنی‌بخش است، از این رو، اولیای الهی در امنیت کامل‌اند و ایمان و استقامت در راه آن ایجادکننده امنیت است (اعراف/ ۳۵؛ یونس/ ۶۲؛ احقاف/ ۱۳). خداوند به آنها که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند وعده داده است که آنان را در زمین حاکم کند و امنیت آنها را تضمین کرده است (نور/ ۵۵). خداوند پروردگار عرش عظیم است و مؤمنین باید بر او توکل کنند. پیامبران الهی که خود انسان کامل بوده‌اند به دلیل توکل به پروردگار خود از هیچ امری از جانب دشمن خوف و هراس نداشته‌اند و توفیق خود را تنها از جانب او می‌دانستند (توبه/ ۱۲۹؛ یونس/ ۷۱؛ هود/ ۸۸؛ ممتحنه/ ۴). قرآن کریم حضرت ابراهیم و پیروان آن حضرت را که با موضع‌گیری قاطع علیه دشمنان خدا، علیه آنان اعلام بیزاری کرده‌اند اسوه حسنه خوانده است (ممتحنه/ ۴). خداوند قوی و نفوذناپذیر است و پیامبران خود را با کتاب و بینات فرستاده است تا مردم به قسط قیام کنند و این خداوند قوی و عزیز پیروزی خود و رسولانش را ضمانت کرده است (حدید/ ۲۵؛ مجادله/ ۲۵) و نیز ایمان و تقوا را برای جوامع موجب نزول برکات از آسمان و زمین بر آنها می‌داند و تکذیب آیات را سبب گرفتار شدن آنان معرفی می‌کند (اعراف/ ۹۶).

از آنجا که امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران در گرو تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی است، به میزانی که از این آرمان‌ها و اهداف فاصله گرفته شود، زمینه برای تهدید امنیتی فراهم می‌آید. به طور ساده، تحقق امنیت پایدار در شرایط نبود شکاف‌های سه‌گانه (شامل شکاف آرمانی، شکاف ساختاری و شکاف کارآمدی) قابل تصور است. لذا برای تحقق امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران باید نظام کلان جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت‌های موجود و نیز قابلیت‌های آن در تطبیق با آرمان‌ها، انتظارات و خواسته‌ها مورد پایش و ارزیابی دائم قرار گیرند. از این رو، راهبردهای تحقق امنیت پایدار نیز معطوف به چنین نگاهی دارای سطوح سه‌گانه خواهد بود. از آنجا که در این مقاله به راهبردهای اقتصادی امنیت پایدار توجه شده است، باید آرمان‌های اقتصادی انقلاب اسلامی، انتظارات اقتصادی مردم



و خواسته‌های اقتصادی آنان و مختصات اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت‌های اقتصادی آن و قابلیت‌های اقتصادی موجود مورد توجه قرار گیرند.

## ۲. آرمان‌های اقتصادی انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط خبرگان منتخب مردم تهیه و پس از تأیید حضرت امام، از طریق همه‌پرسی به تصویب مردم رسید. در مقدمه قانون اساسی آرمان‌های اقتصادی انقلاب اسلامی به شرح زیر آمده است: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه هم‌چون نظام‌های اقتصادی دیگر تمرکز تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین علت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود، ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت.

با این دیدگاه، برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین علت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری برای استمرار حرکت تکاملی آنها بر عهده حکومت اسلامی است.»

این مقدمه به خوبی فضای حاکم بر انقلاب اساسی را در ارتباط با آرمان‌های اقتصادی آن روشن می‌کند. نکته جالب آن است که اقتصاد به عنوان وسیله‌ای در زمینه‌سازی برای بروز خلاقیت‌ها که ارزشی مبنایی در حکومت اسلامی و به عبارتی، هدف متعالی همه ادیان و پیامبران الهی است، گره خورده است. به این ترتیب، راهبرد کلان اقتصادی امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران قابل ارائه است: «ایجاد محیط اقتصادی مساعد برای رشد فضایل معنوی و اخلاقی و رشد استعدادها و خلاقیت‌های متفاوت انسانی از طریق ایجاد شرایط مساعد کار و برخورداری از نتایج آن برای همه و نیز برقراری عدالت اجتماعی با حفظ اقتدار و استقلال حاکمیت اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران.»

## ۳. انتظارات اقتصادی مردم از نظام جمهوری اسلامی ایران

با نگاه به مواد قانون اساسی به راحتی انتظارات اقتصادی و نیز خواسته‌های اقتصادی مردم از جمهوری اسلامی ایران قابل شناسایی است که این موارد در جدول ۲ جمع‌بندی شده است.





## جدول ۲: امنیت اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مواد قانون اساسی	انتظارات اقتصادی مردم از نظام جمهوری اسلامی ایران	خواسته‌های اقتصادی مردم از نظام جمهوری اسلامی ایران
اصل ۳ - بند ۱۲	امنیت رفاه امنیت نیازهای اساسی امنیت کار امنیت سلامت	پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه
اصل ۳ - بند ۱۳	امنیت علوم و فنون صنعتی امنیت علوم و فنون کشاورزی امنیت علوم و فنون و تولیدات نظامی	تأمین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت، کشاورزی، امور نظامی و مانند اینها
اصل ۲۱ - بند ۲	امنیت بارداری مادران امنیت حضانت فرزند امنیت سرپرستی کودکان	حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست
اصل ۲۱ - بند ۴	امنیت سرپرستی زنان امنیت سالمندی زنان	ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست
اصل ۲۲	امنیت مالی امنیت درآمدی امنیت مسکن امنیت شغل	مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
اصل ۲۹	امنیت بازنشستگی امنیت کار امنیت سالمندی امنیت سرپرستی امنیت در راه ماندگی امنیت حوادث و سوانح امنیت بهداشتی و درمانی امنیت مراقبت پزشکی	برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی.
اصل ۳۱	امنیت مسکن	داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.
اصل ۴۳ - بند ۱	امنیت نیازهای اساسی	تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه



مواد قانون اساسی	انتظارات اقتصادی مردم از نظام جمهوری اسلامی ایران	خواسته‌های اقتصادی مردم از نظام جمهوری اسلامی ایران
اصل ۴۳ - بند ۲	امنیت کار	تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد.
اصل ۴۳ - بند ۳	امنیت فراغت	تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
اصل ۴۳ - بند ۴	امنیت شغل	رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری
اصل ۴۳ - بند ۸	امنیت اقتصاد کلان	جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور
اصل ۴۳ - بند ۹	امنیت نیازهای عمومی	تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.
اصل ۴۶	امنیت درآمدی امنیت کسب امنیت کار	هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.
اصل ۵۱	امنیت مالیاتی	هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد به موارد بسیار متنوعی از شاخص‌های امنیت اقتصادی اشاره شده است که جمع‌بندی این شاخص‌ها و سطوح آنها را در جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد.



جدول ۳: جمع‌بندی سطوح و شاخص‌های امنیت اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تیموع انتظارات اقتصادی مردم	سطوح انتظارات اقتصادی مردم در قانون اساسی
امنیت رفاه امنیت نیازهای اساسی امنیت کار امنیت کسب امنیت درآمدی امنیت شغل امنیت سلامت امنیت مالی امنیت مسکن امنیت فراغت	امنیت فردی
امنیت بارداری مادران امنیت حضانت فرزند امنیت بازنشستگی امنیت سالمندی امنیت سرپرستی امنیت در راه ماندگی امنیت حوادث و سوانح امنیت بهداشتی و درمانی امنیت مراقبت پزشکی	امنیت اجتماعی
امنیت نیازهای عمومی امنیت علوم و فنون صنعتی امنیت علوم و فنون کشاورزی امنیت علوم و فنون و تولیدات نظامی امنیت اقتصاد کلان	امنیت ملی

نتایج این بررسی حاکی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت بسیار بالایی در بحث امنیت پایدار اقتصادی برخوردار است، با این حال، هنوز برخی از این موارد فرصت پیاده‌سازی نیافته‌اند و لازم است با توجه به تحولات پیش رو هم در موضوع جهانی شدن و هم در موضوعات مهم داخلی مانند هدفمند کردن یارانه‌ها این زمینه‌ها مورد بازبینی و توجه قرار گیرند و برای پیاده‌سازی آنها برنامه‌ریزی لازم انجام شود.

## نتیجه‌گیری

جهان هر روز در حال تحول است و همراه با این تحول درک ما از امنیت نیز متحول می‌شود. در سال‌های اخیر تهدید امنیت اقتصادی و بی‌ثباتی اقتصادی و خطر افت کیفیت زندگی برای ساکنان یک کشور از جمله تهدیدهای اصلی است. امروز بعد اقتصادی امنیت ملی چنان تغییراتی کرده که به تدریج به عنوان نقطه مرکزی، از دیدگاه تحلیلگران راهبردی درآمده است. الگوی اقتصادی غالب قرن ۲۱ که در اواخر قرن ۲۰ شکل گرفت، در عمل با ناامنی پیوند خورده است. هم اکنون هیچ آینده‌ای از امنیت فراروی آن وجود ندارد و صرفاً یک «جامعه ریسک‌آلود» را نوید می‌دهد. در رویکرد اقتصادی، امنیت پایدار با مفهوم «امنیت انسانی» ارتباطی ناگسستگی خواهد داشت.

مسئله «امنیت انسانی» مستلزم سیاست‌ها و اصلاحات نهادی واقعی‌تر در زمینه‌های پیشرفت فنی، ترکیب‌های جدید کار، آموزش و فراغت، مشارکت کاری و ترتیبات بدیع برای تأمین مالی، اجتماعی و اقتصادی کارهای مفید است. در ارائه یک رویکرد جامع اقتصادی به امنیت پایدار باید عوامل مرتبط با سه حوزه مهم کلان، میانی و خرد ملاحظه شوند. امنیت فرایندی پایان‌ناپذیر است که ابتدا از طریق تعامل محیط اقتصاد کلان و سطح میانی (بنگاه‌ها و شرکت‌ها) تعیین می‌شود و هر دو اینها سطح خرد امنیت اقتصادی (نیازهای افراد) را شکل می‌دهند. متقابلاً وجود امنیت در سطح خرد از طریق ایجاد اطمینان مستقیم و غیرمستقیم بر محیط اقتصادی مانند بیکاری و تورم اثرگذار است و این آثار متقابل ادامه خواهد داشت.

امنیت اقتصادی فردی به داشتن درآمد، دارایی و مخارج مکفی و تا اندازه‌ای با ثبات تعریف شده است. امنیت اقتصادی در سطح فردی هم‌چنین با مفهوم جامع «کار» ارتباطی عمیق دارد.

هر کشور به طور خاص باید همواره امنیت اقتصادی خود را به صورتی جداگانه پایش کند. از دیدگاه امنیت ملی، توزیع جهانی کالاها و خدمات اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ای آشفته شده است. در دهه گذشته، شکاف بین فقرا و اغنیا در داخل و بین ملت‌ها بیشتر شده است و همین الگو آشکارا امنیت اقتصادی ملی را تهدید می‌کند. از بعد اجتماعی، امنیت پایدار به موقعیت و اوضاع کلان یک کشور اشاره دارد. داشتن امنیت فرع بر داشتن قدرت است و لذا امنیت پایدار برای یک ملت و کشور مستلزم داشتن اقتدار لازم برای مصونیت بخشیدن به ارزش‌های حیاتی



در برابر مخاطرات احتمالی است. برای اغلب کشورهای در حال گذار و در حال توسعه، رشد سریع اقتصادی برای تولید، اشتغال و کاهش فقر غیرقابل اجتناب است. در گذشته، نرخ رشد در کشورهای فقیر به طور نزدیکی به شرایط اقتصادی در کشورهای صنعتی گره خورده بود. در اینجا مهم آن است که کشورهای در حال توسعه در موقعیتی باشند که طیفی از کالاهای مصرفی- سرمایه‌ای را که بازار عمده آنها در کشورهای صنعتی است به صورت رقابتی عرضه کنند. آنچه اهمیت دارد تعقیب سیاست‌هایی است که نرخ رشد و الگوی رشدی ایجاد کنند که فقر و بیکاری را به میزانی قابل کنترل کاهش دهند. به میزانی که این هدف تحقق یابد، نیاز به برنامه‌های حمایتی اجتماعی کاهش خواهد یافت.

فراهم‌سازی حمایت اجتماعی از افراد فقیر، بیکار و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر مسائل مهمی را در «سیاست عمومی» در عصر آزادسازی بازارها ایجاد کرده است. یکی از این مسائل تشخیص نیازهای اساسی و دیگری روش تأمین مالی برنامه‌های تأمین اجتماعی برای گروه‌های مذکور است.

کشور ما در حال حاضر با مشکلات اقتصادی روبه‌روست. در کنار این واقعیت‌ها، چشم‌انداز تعریف‌شده توسط نظام رتبه اول در منطقه آسیای جنوب غربی را برای ایران در سال ۱۴۰۴ هـ.ش (۲۰۲۵ م) ترسیم کرده است. روشن است که رسیدن به هدف چشم‌انداز از الزامات مرحله‌ای تحقق آرمان و اهداف انقلاب اسلامی است و از این رو، راهبردی اساسی برای تحقق امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. در روش‌شناسی این مقاله چالش‌ها و آسیب‌های امنیت پایدار معلول سه شکاف اساسی شامل شکاف آرمانی، شکاف ساختاری و شکاف کارآمدی معرفی شده است.

آرمان‌ها تولیدکننده انتظارات‌اند و خواسته‌ها مبتنی بر انتظارات شکل می‌گیرند. در نقطه مقابل، نظام جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی آن تعریف شده است ظرفیت‌های مشخصی برای پاسخگویی به انتظارات دارد و در عمل نیز قابلیت‌های مشخصی برای تأمین خواسته‌ها وجود خواهد داشت.

در اعتقادات اسلامی منشأ امنیت خداوند متعال است و ایمان شرط رسیدن به امنیت است و امنیت پایدار جز در یک جامعه مطلوب ایمانی شکل نخواهد گرفت و لذا امنیت با تبعیت از فرامین الهی قابل دستیابی است. از آنجا که امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران در گرو تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی است، به میزانی که از این آرمان‌ها و اهداف فاصله گرفته شود، زمینه برای تهدید امنیتی



فراهم می‌آید. به طور ساده تحقق امنیت پایدار در گرو نبود شکاف‌های سه‌گانه (شامل شکاف آرمانی، شکاف ساختاری و شکاف کارآمدی) قابل تصور است. لذا برای تحقق امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران باید نظام کلان جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌های موجود و نیز قابلیت‌های آن در تطبیق با آرمان‌ها، انتظارات و خواسته‌ها مورد پایش و ارزیابی دائم قرار گیرند.

امنیت اقتصادی پایدار جمهوری اسلامی ایران به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن یک محیط اقتصادی مساعد برای رشد فضایل معنوی و اخلاقی، از طریق تأمین شرایط رشد استعدادها و خلاقیت‌های متفاوت انسانی و شرایط مساعد کار و برخورداری از نتایج آن برای همه و نیز برقراری عدالت اجتماعی با حفظ اقتدار و استقلال حاکمیت اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم شده باشد.

با نگاه به مواد قانون اساسی به راحتی انتظارات اقتصادی و نیز خواسته‌های اقتصادی مردم از جمهوری اسلامی ایران قابل شناسایی است که این موارد در مقوله‌هایی هم‌چون امنیت نیازهای اساسی، امنیت کار و شغل، امنیت فراغت، امنیت اقتصاد کلان و غیره قابل جمع‌بندی است. لذا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظرفیت بسیار بالایی در بحث امنیت پایدار اقتصادی دارد. با این حال هنوز برخی از این موارد فرصت پیاده‌سازی نیافته‌اند و لازم است با توجه به تحولات پیش رو هم در موضوع جهانی شدن و هم در موضوعات مهم داخلی برای پیاده‌سازی آنها برنامه‌ریزی لازم صورت گیرد.



## منابع فارسی

- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، *تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ نخست: اسفند.
- قرآن کریم
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم.

## منابع انگلیسی

- Ghai, Dharam (1997), "Economic Globalization, Institutional Change and Human Security", United Nations Research Institute for Social Development, November 1997, Available at: [http://www.unrisd.org/80256B3C005BCCF9/\(httpAuxPages\)/C458AA6EE636796C80256B67005B6ED7/\\$file/dp91.pdf](http://www.unrisd.org/80256B3C005BCCF9/(httpAuxPages)/C458AA6EE636796C80256B67005B6ED7/$file/dp91.pdf).
- Hacker, Jacob S. Gregory A. Huber, Philipp Rehm, Mark Schlesinger & Rob Valletta (2010), "The Economic Security Index: A New Measure of the Economic Security of American Workers and Their Families", Technical Report, July 2010.
- ILO (International Labour Organization) (2003), *Economic Security for a Better World*, Geneva: International Labour Office.
- Kenworthy, Lane (2010), "Economic Security", Spring, Available at: <http://www.u.arizona.edu/~lkenwor/indv102economicsecurity.Pdf>.
- Nesadurai, Helen E. S (2005), "Conceptualising Economic Security in an Era of Globalisation: What Does the East Asian Experience Reveal?", *CSGR Working Paper*, No. 157/05, February Available at: [http://wrap.warwick.ac.uk/1963/1/WRAP\\_Nesadurai\\_wp15705.pdf](http://wrap.warwick.ac.uk/1963/1/WRAP_Nesadurai_wp15705.pdf).
- Osberg, Lars (2009- 12), "Measuring Economic Security in Insecure Times: New Perspectives, New Event, and the Index of Economic Well-Being", Centre for the Study of Living Standards, CSLS Research Report.
- Prabhu, K. Seeta (2010), "Socio-Economic Security in the Context of Pervasive Poverty: A Case Study of India", *International Labour Office*, Geneva, May, Available at: <http://www.ilo.org/public/english/protection/ses/download/docs/india.Pdf>.
- Udovič, Boštjan "Economic Security: Large and Small States in Enlarged European Union", University of Ljubljana, Faculty of Social Sciences, Centre of International Relations, Available at: <http://www.ceeisaconf.ut.ee/orb.aw/class=file/action=preview/id=164145/Udovic.Doc>.
- Wikipedia, The Free Encyclopedia, [http://en.wikipedia.org/wiki/Risk\\_society](http://en.wikipedia.org/wiki/Risk_society).
- Yong, Jiang (2007), "Economic Security: Redressing Imbalance", World Security Institute, China Security, Spring, Vol. 3 No. 2, Available at: [http://www.wsichina.org/cs6\\_5.pdf](http://www.wsichina.org/cs6_5.pdf).



